

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام ما منحصر به افراد نیست

(ترجمه)

در مدت زمانی نه چندان دور و بعد از آن که غرب کافر تاثیر اسلام را بالای فکر و جسم پیروان آن درک نمود و بعد از آن که دانست که امکان ندارد تا اسلام مغلوب و یا با دین دیگری تبدیل گردد، اقدام به ایجاد روش جدیدی جهت مغلوب ساختن اسلام و مسلمانان نمود و شروع به نشر بعضی مفاهیم غلط و بی اساس در مورد اسلام به هدف جلوگیری از بیداری مردم و جاهل ساختن آن‌ها نسبت به احکام تفصیلی شریعت اسلامی نمود و تلاش کرد تا بخاطر زشت جلوه دادن و تحریف مفهوم عام اسلام آن را به افراد و شخصیت‌های معینی ارتباط داده و اسلام را در وجود آن‌ها خلاصه نماید؛ مفهومی که اسلام را یک نظام زندگی مناسب برای هر زمان و مکان می‌داند. بناءً شخصیت‌هایی را ایجاد کرد که هیچ رابطه‌ای با اسلام به جز نام آن ندارند، سپس از طریق آن‌ها احزاب و گروه‌هایی را ایجاد کرد و آن‌ها را به هدف استفاده در راستای تامین اهداف و منافع شوم و پنهان خویش اسلامی نام‌گذاری کرد.

بعد از آن که غرب خلافت اسلامی را به دست همکارانش سقوط داد، گروه‌هایی را ایجاد کرد که شعار اسلام را در قالب مفهیمی چون احترام به غرب و پذیرفتن نفوذ آن سر دادند و غرب نیز این را درک نمود که خلاصه کردن اسلام در افراد معینی یک کار آسان و امکان پذیر است. به همین دلیل حرکات ظاهراً اسلامی هیچ گونه تعبیر درستی از مضمون اصلی اسلام ندارند و تنها نامی از اسلام را با خود حمل می‌کنند و رهبران این احزاب و گروه‌ها آله دست غرب کافر به هدف استعمال مردم در مسیر تامین اهداف مغرضانه و شوم آن هستند.

در واقع غرب کافر باید تا مدت طولانی توسط این مفکوره بالای نظام‌ها حکومت می‌کرد، ولی مدتی نگذشت که خروج تعدادی از مخلصین را در میان بعضی از گروه‌ها و احزاب احساس کرد و بلافاصله اقدام به ایجاد بدیل جهت حل این مشکلی که از آن راضی نبوده و در مقابل آن سکوت کرده نمی‌توانست نمود. در نتیجه این کار می‌بینیم که بعضی از گروه‌ها بدون هیچ مانعی در میان مردم کار می‌کنند تا قادر به جلب افکار عمومی و دریافت اعتماد جهت توجیه سخنان و اعمال خویش گردند؛ ولی این اعتماد و توجیه بخاطر انجام کدام فعالیت و یا بدست آوردن کدام پیروزی از سوی آن‌ها نمی‌باشد؛ بلکه بخاطر عرصه وسیعی است که در آن برای شان اجازه فعالیت، سخن گفتن و بازی با احساسات مردم داده شده است. در مقابل، گروه‌هایی وجود دارند که هیچ گونه اجازه فعالیت برای شان داده نمی‌شود و توسط این کار برای غرب کافر این فرصت ایجاد شده است که اسلام را همین گروه‌های خاص خلاصه نماید و مردم را قناعت بدهد که این گروه‌ها را نسبت به آنانی که صدای شان در گلو خفه گردیده و تا زمانی که در محضر عام حاضر نشوند، صدای شان شنیده نمی‌شود، ترجیح بدهند و شروع به سرکوب آنانی نمود که صدای حق را بلند نموده و از هیچ ملامت‌گری در زندان‌ها بخاطر دین الله سبحانه و تعالی نمی‌ترسند.

این مقوله را از مردم زیاد شنیده ایم که: "این گروه‌های به ظاهر اسلامی از سایر گروه‌ها بهتر هستند؛ زیرا آن‌ها چیزهایی که دیگران نمی‌گویند را به صراحت بیان می‌کنند." در اینجاست که بر ما لازم می‌گردد تا صادقانه بپا خاسته و نقطه‌ها را بالای حروف بگذاریم.

بدون شک اسلام برنامه کامل و مکمل زندگی است و امکان ندارد تا آن را از زندگی خویش جدا دانسته و خود را از آن بی‌نیاز بدانیم و تنها به عبادات و اخلاقیات اکتفا نماییم؛ زیرا اسلام نظامی است که تمامی شئون حاکم و محکوم را تنظیم نموده است. به همین خاطر لازم است تا در عرصه زندگی فردی بالای تمامی احکام اسلام بدون هیچ نوع تحریف و تأویل پایبندی صورت گیرد. بناءً تلاوت قرآن کریم با صدای زیبا و دلنشین و یا هم ادای بعضی از عبادات مانند نماز، روزه، حج و زکات، تمام اسلام نه بلکه برخی از اسلام است و ادای این تکالیف در داخل خانه به این معنا نیست که سایر تکالیفی که ادای آن‌ها در هر زمان و مکان بالای یک مسلمان واجب است، از گردن او ساقط گردیده اند و غرب عمداً توسط اجازه دادن به اشتراک برخی از افراد مسلمان در وزارت‌های داخله/وزارت‌های کشور چنانچه در انگلیس است و یا هم اجازه دادن به دخیل ساختن بعضی از اصول اسلامی در کانگرس امریکا- چیزی که از آن به عنوان محبت و پذیرفتن ما تعبیر می‌کنند- و یا حتی ترویج این مفکوره که مسلمانان بخشی از جامعه امریکا هستند، اقدام به نهادینه ساختن این نمونه از اسلام در کشورهای خودش نموده است.

بناءً قضیه طوری نیست تا از این زاویه تنگ به آن نگریسته شود؛ بلکه دیدگاه عمیقی که بتواند این قضایا را پیگیری و بررسی نماید، به ما واضح خواهد ساخت که چرا غرب برای تعدادی از افراد معین اجازه می‌دهد تا به این حد آزادانه فعالیت نمایند و به غیر آن‌ها اجازه کوچک‌ترین فعالیت را نمی‌دهد؟ و چرا از آن نمایندگان مرد در کانگرس امریکا چیزی در مورد سیاست اسلام نمی‌شنویم؟ اگر موضوع همانگونه است که آن‌ها ادعا می‌کنند، و چرا آن وزیر انگلیسی دارای اصول اسلامی پیشاپیش دیگران در تطبیق سرمایه‌داری حرکت می‌کند؟ و مانند این چرا از آن سفیر مسلمان انگلیسی در سودان که نماز را به مسلمانان اقامه کرد، چیزی از اسلام نشنیدیم؟ جواب این سؤال‌ها واضح است و این را می‌رساند که چگونه آن‌ها توسط افرادی از خود ما با ما می‌جنگند.

اما در مورد سرزمین‌های اسلامی؛ آن‌ها به خوبی می‌دانند که دشوار است تا یک شخص دارای هویت، فکر و شخصیت غربی بالای سرزمین‌های اسلامی حکومت کرده بتواند؛ زیرا بیداری فکری در میان مردم نسبت به گذشته افزایش یافته و نسبت به واقعیت و دین خودشان آگاهی بیشتری یافته اند؛ چنانچه در تمامی امور زندگی شان اسلام را مقدم دانسته و آن را اولویت می‌دهند. در این صورت غربی‌ها لازم دانستند تا در تحریف چهره واقعی اسلام باید تلاش بیشتری نمایند؛ در حالی که آن‌ها حاملین فکر سرمایه‌داری هستند که خوب می‌دانند تا چگونه مردم را از طریق دادن چیزهایی که به آن ضرورت دارند، راضی بسازد و لازم بود تا بخاطر به دست آوردن آنچه که می‌خواهند به آن برسند، نیازمندی‌های مادی مردم را برای شان تامین نمایند. بگونه مثال می‌بینیم که چگونه حاکم ترکیه در قسمت ترویج، فروش و استفاده از اجناس غربی ابتکار خائنانه نمود، تا این که نمونه موفقی در سخن فروشی و بازی با احساسات مردم قرار گرفت؛ چیزی که تأیید کنندگان زیادی را برای او و سیاست پلید او در منطقه به ارمغان آورد، در حالی که هیچ خیری برای اسلام و مسلمانان به جز از پیمان‌های پر از خون فرزندان امت به آن‌ها تقدیم نکرده است.

بدون شک خلاصه نمودن اسلام در افرادی که تنها نامی از اسلام را با خود حمل می‌کنند، مصیبت بزرگی است، این افراد شخصیت‌هایی هستند که در کاشتن این فکر پلید در اذهان مردم که "پیروزی آن‌ها پیروزی اسلام و شکست آن‌ها شکست اسلام است" نقش اساسی را دارند که در واقع این فکر زشت و پلید از حقیقت به دور است؛ زیرا اسلام با شکست این فرومایگان شکست نمی‌خورد و بهترین دلیل برای این مدعا اعمال خلفای مسلمان است که به ما رسیده است. آن‌ها ابتکاراتی را در تطبیق اسلام و

تنفیذ احکام آن انجام دادند تا جایی که آروزی داشتن آن روزها را می‌کنیم، چنانچه گفته می‌شود "حق توسط اهل آن شناخته می‌شود."

ما امروز شاهد آخرین نفس‌های کفر و نظام‌های آن هستیم، به ویژه بعد از آن که دانست زمان حاکمیت اسلام فرارسیده است و بخاطر به تاخیر انداختن و حائل شدن در برابر این فکری که حاکمیت آن حتمی است شب و روز تلاش می‌کند. در این صورت اسلام چیزی به جز اندکی تحمل به خاطر خارج ساختن زهر موجود در میان ما، از ما نمی‌خواهد، تا باشد که قدرت به دست فرزندان مخلص این امت که بخاطر تطبیق اسلام و رساندن آن به مسند قدرت و حاکمیت تلاش می‌کنند باز گردد و این مخلصینی که دنیای خود را فروخته و آخرت را خریده اند و به این راضی شدند تا شمعی باشند که بخاطر روشن ساختن مسیر امت می‌سوزد، در میان ما زیاد هستند و ما یقین داریم که افراد و رهبری حزب التحریر از جمله آنان هستند و از الله سبحانه و تعالی می‌طلبیم تا هرچه زودتر پیروزی و نصرت را نصیب ما بگرداند. اللهم آمین!

نویسنده: داکتر ماهر صالح - امریکا

برای دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر

۲۸ ذوالقعدة ۱۴۴۰ هـ.ق

برابر با ۳۱ جولای ۲۰۱۹ م